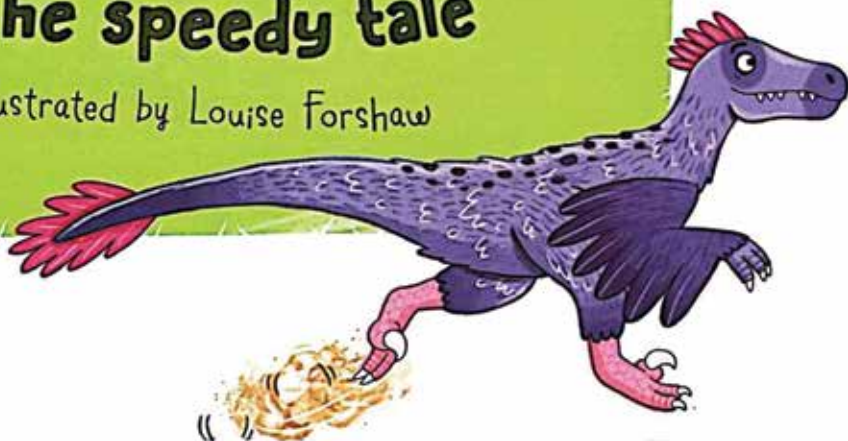


Velociraptor

The speedy tale

Illustrated by Louise Forshaw



ولوسیرپتور داستان دایناسور تیزپا

سرشناسه: ویچ، کاترین Veitch, Catherine

عنوان و نام پدیدآور: ولوسیرپتور: داستان دایناسور تیزپا/نویسندگان کاترین ویچ، فرن برومیچ؛ [تصویرگر لوئیز فورشاو]:

ترجمه: الناز اسماعیلی. مشخصات نشر: تهران: خانه کاغذی، ۱۴۰۴. مشخصات ظاهری: ۳۲ ص. مصور (رنگی).

فروست: ... سری کتاب‌های داستان‌های دایناسورها؛ ۴.

شابک: ۸-۸۱-۵۶۶۶-۶۲۲-۹۷۸ شابک دوره: ۲-۸۳-۵۶۶۶-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا. یادداشت: زبان: انگلیسی - فارسی.

یادداشت: عنوان اصلی: Velociraptor: the speedy tale (dinosaur adventures), 2019.

یادداشت: مخاطب: + ۹ نونهال. عنوان دیگر: داستان دایناسور تیزپا.

موضوع: دایناسورها -- داستان. Dinosaur -- Fiction. عجله -- داستان -- Fiction -- Hurry. کمک کردن -- داستان

Fiction -- Helpfulness. شناسه افزوده: برومیچ، فران. شناسه افزوده: Bromage, Fran.

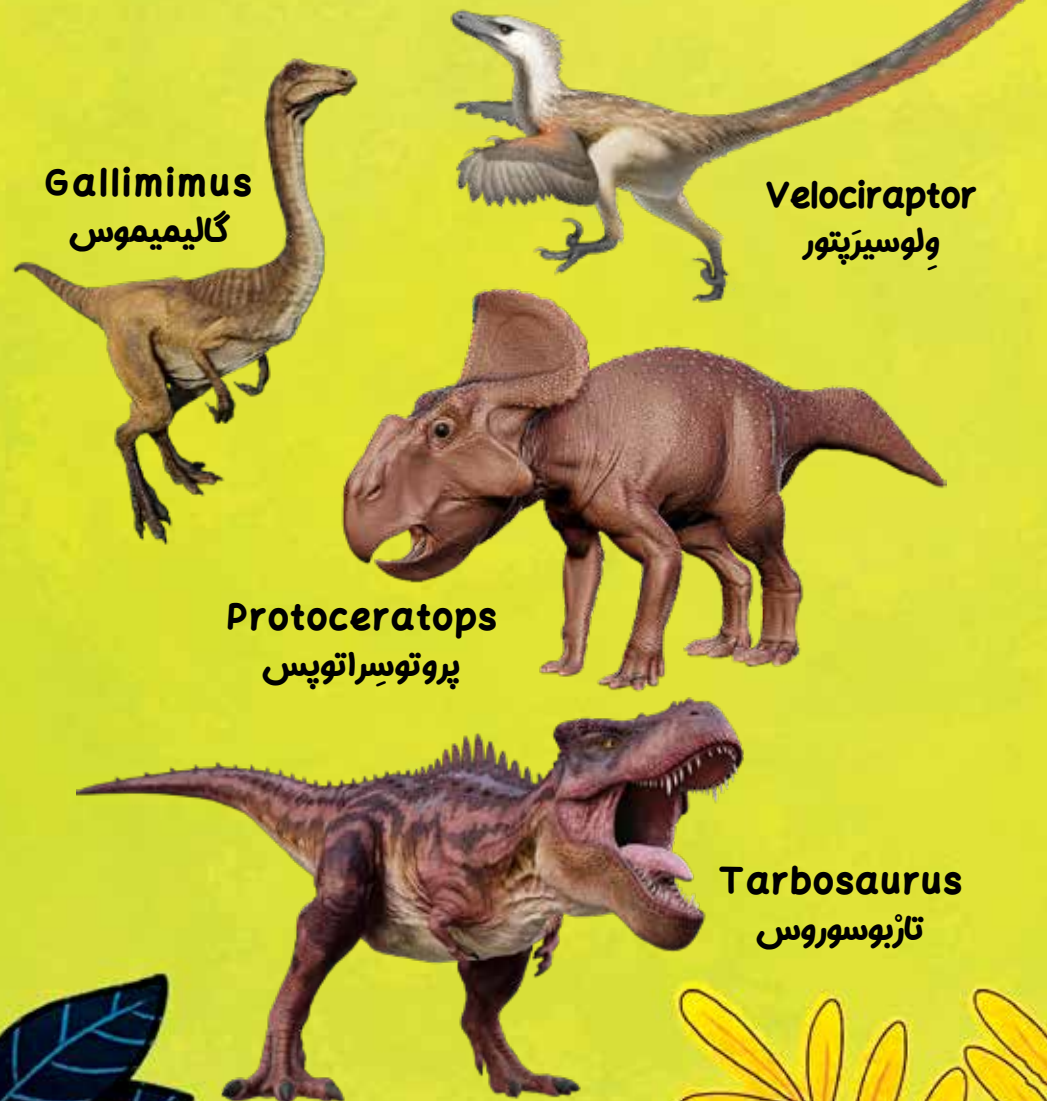
شناسه افزوده: فورشاو، لوئیز. تصویرگر: شناسه افزوده: Forshaw, Louise.

شناسه افزوده: اسماعیلی، الناز، ۱۳۶۲، مترجم. رده بندی دیویی: ۵۶۷/۹

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۳۲۰۱۳۵. اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

Say hello to the dinosaurs in this story!
به دایناسورهای این داستان سلام کن!

Velociraptor (say ve-LOSS-ee-rap-tor) (بگو: و-لوس-ای-رپ-تور)	Protoceratops (say pro-toe-SERRA-tops) (بگو: پرو-تو-سرا-توپس)
Gallimimus (say gal-lee-MEE-mus) (بگو: گال-لی-می-موس)	Tarbosaurus (say TAR-bow-SORE-us) (بگو: تار-بو-سور-اوس)



Millions of years ago, there lived a Velociraptor called Vicky, who was super-speedy. Everywhere she went, she went in a rush. "Got to go! Can't stop!" she'd shout, ignoring her baby brothers and sisters as she rushed past them.

میلیون ها سال پیش، یک ولوسیرپتور به نام ویکلی زندگی می کرد که فوق العاده سریع بود. هر جا که می رفت، با عجله می رفت. او فریاد می زد: «باید بروم! نمی توانم بایستم!» و برادران و خواهران کوچکش را نادیده می گرفت درحالی که با عجله از کنارشان می گذشت.





One day, Vicky's family wanted to go and hunt, but no one could find Vicky.

"I'll see if I can catch her," said Vicky's friend, Gal.

یک روز، خانواده‌ی ویک‌ی می‌خواستند به شکار بروند، اما هیچ‌کس نتوانست ویک‌ی را پیدا کند. گال، دوست ویک‌ی گفت: «من می‌روم تا ببینم می‌توانم او را پیدا کنم.»



Gal, a Gallimimus, was the only dinosaur fast enough to keep up with Vicky.

“Vicky!” called Gal when he spotted her.

“Your family is leaving...”

But Vicky was off again.

گال، یک گالیمیموس، تنها دایناسوری بود که آن قدر سریع بود تا بتواند هم پای ویکی بدود. گال وقتی او را دید صدا زد: «ویکی!» «خانواده‌ات دارند می‌روند...» اما ویکی دوباره از جا پَرید و به راه افتاد.